فصـــــلنامه بیـــن المللـــــی قـــانـــون یـــار
License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH550292 ISSN-P: 2538-3701

نقش علم وایمان در درمان بیماری ها (نگاهی کوتاه به بیماری قرن، کرونا)

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

دکتر داود گوهری[۱]
استادیار الهیات، دانشکده ادبیات ، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
پروین عینی
محقق و پژوهشگر

چکیده

در اسلام علم از جایگاه رفیعی برخوردار می باشد و آیات و روایات بسیاری برای این امر تاکید کرده اند. در قرآن به قلم سوگند یاد کرده که جایگاه علم را نشان می‌دهد و در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وصلم می فرماید: از گهواره تا گور دانش بجویید. و می توان گفت هیچ مکتبی به اندازه اسلام بر یادگیری علم تاکید نکرده است. از نظر اسلام و مسلمانان و دین از یکدیگر جدا نیستند. پیشرفت علمی مسلمانان در تاریخ بسیار برجسته است که این جز در سایه ایمان و اعتقاد دینی نمی‌تواند باشد.بزرگترین پزشکان در جهان، پزشکان مسلمانی چون ابن سینا که کتاب‌های پزشکی او در بزرگ‌ترین دانشگاه‌های مدرن دنیا تدریس می‌شود که نقش سازنده این را بیشتر مشخص می کند و مکمل بودن دین و علم را نشان می دهد. نیاز انسان به علم و دین از مسائل مهمی است که هیچ کدام بدون دیگری کامل نیستند و بشر امروزی در دنیای مدرن اکنون هم این نیاز را فهمیده و به آن توجه ویژه ای نموده است.

واژگان کلیدی: جایگاه علم در اسلام، مکمل بودن علم و ایمان، علم و دین در دنیای امروز

[۱] نویسنده مسئول

مقدمه

شهید مطهری علمی مان را مکمل و متمم یکدیگر دانسته علم و ایمان را در تکامل انسان توضیح می‌دهد ایشان جایگزینی علم و ایمان را مطرح نموده و پاسخ می‌دهد که نه علم می تواند جانشین ایمان گردد، نه ایمان می تواند جانشین علم گردد. از لحاظ تاریخی نیز جدایی علم و ایمان خسارت جبران‌ناپذیری را به بار آورده است. علم و ایمان هر دو زیبا و در کنار یکدیگر امنیت درونی و بیرونی را برای بشر به ارمغان می آورند و این توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده و در دنیای مدرن امروز که مقداری با دین فاصله گرفته بود با ورود ویروسی بسیار ناچیز تمام معادلات را به هم ریخته و بیش از پیش مکمل بودن این دو را نشان می‌دهد. و نشان‌دهنده آن است که علم و ایمان نه تنها با هم متضاد نیستند، بلکه کامل کننده همدیگر هستند. و بسیار بدیهی است که هیچکدام از این دو نمی تواند جای دیگری را بگیرد بلکه می تواند تاثیر بسیار زیاد دین را بر پیشرفت علم نیز به طور قابل ملاحظه مشاهده نمود. علم بهترین یاور انسان است برای مقابله با بسیاری از بیماریها ولی چراغ راهنما و روشن کننده علم ایمان است. ایمان به ذات اقدس الهی، ایمان به وحدانیت و یگانگی خدا و نیروی لایزال اوست که راه گشای علم است و بدون اراده وجود او هیچ کاری بر سرانجام نخواهد رسید. هر کجا که علم بوده است و جایی برای ایمان نبوده که در طول تاریخ مشاهده کرده ایم نه تنها مفید برای بشر نبوده بلکه باعث استثمار و نیرنگ و آزار و اذیت بشر شده است. کرونا نشان داد که علم هنوز در بسیاری از حوادث و بیماری ها با توجه به جامعه مدرن امروز هم بسیار ناتوان است و فقط در سایه الطاف و اراده خداوند می تواند به جایگاه رفیع برسد و لله مُلکُ السَّماواتِ و الارضِ الله واللهُ عَلی کلِ شیءٍ قدیر (آیه ۱۸۹ سوره آل عمران) خداست مالک آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز تواناست. مقاله پیش رو به بیانی بسیار مختصر از جایگاه علم و دین و بیماری قرن، کرونا پرداخته و امید است که مفید واقع شود.

بخش اول: اصولاً چه نوع رابطه ای بین علم و دین وجود دارد؟

قبل از ورود به این بحث، بجاست تعریفی اجمالی از علم و دین ارائه کنیم، چون با توجه به تعریف و حدود و ثغور دین و علم رابطه میان علم و دین هم متفاوت خواهد شد. علم گاه به معنای عام اراده می شود که اعم از علوم عقلی، نقلی، تجربی، اخلاقی، عرفانی، هنری ، ادبی و

جز اینهاست و گاه نیز معنای خاص آن اراده می‌شود که همان علوم تجربی است؛ علومی که روش آن مشاهده و آزمایش است و شامل روانشناسی ، جامعه شناسی ، باستان شناسی و علوم طبیعی نظیر نجوم ، فیزیک ، زیست شناسی و شیمی می باشد. منظور از علم در این بحث ، علوم تجربی و بیشتر علوم طبیعی است. در مورد دین هم تعریف های بسیاری مطرح شده که هر یک ناظر به یکی از ابعاد دین است ، اما در این بحث منظور ادیان ابراهیمی است ، یعنی یهودیت ، مسیحیت و اسلام. دین تعالیمی است که خداوند به واسطه پیامبران برای هدایت بشر نازل کرده است. این تعالیم دارای ابعاد مختلفی است که بخشی مربوط به علم ماورا و غیب، بخشی مربوط به حوزه اخلاق، بخشی مربوط به تکالیف فردی و اجتماعی و بخشی نیز مربوط به نظریاتی در باب جهان و انسان و برخی حوادث خارجی و... است. برای روشن شدن بحث رابطه علم و دین ، باید به برخی ویژگی های علوم تجربی که پس از رنسانس شکل خاصی به خود گرفته ، اشاره کنیم. مفاهیم و قوانین علمی، بازنمود جهان عینی اند و به تعبیری دانشمندان در کار علمی خویش معتقد به رئالیسم (واقع گرایی) هستند. اخترشناسان، زمین شناسان، زیست شناسان و شیمیدانان تقریبا همواره نظریه های علمی را بیانگر رویدادهای جهان خارج تلقی می کنند.

در قلمرو علوم تجربی، صحت هیچ نظریه ای را نمی توان اثبات کرد و حداکثر چیزی که درباره یک نظریه می‌توان گفت این است که توافق بیشتر یا بهتری با معلومات موجوددارد و در حال حاضر از نظریه های بدیل، جامع‌تر است. چه بسا نظریه های دیگر باشند که در آینده با این معیارها موافق یا موافق تر درآیند. بنابراین در این قلمرو هر ضابطه سازی و تدوینی (قانون) موقتی و دستخوش بازبینی است. علوم تجربی، علومی است که از طریق روش تجربی یعنی مشاهده و آزمایش به دست می‌آید و به تعبیری قلمرو فعالیت آن امور مادی است و در امور غیر مادی و غیر تجربی نمی تواند به فعالیت و اظهار نظر بپردازد؛ چرا که در قلمرو امور ماورای طبیعی و غیر تجربی، مشاهده و آزمایش کارساز نیست.

بخش دوم: دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی چیست؟

خداوند در قرآن بر تعقل و تفکر تاکید بسیاری نموده است؛ آن گونه که حتی در آیه مطرح می‌کند از آنچه بدان علم ندارید تبعیت نکنید. همچنین به انسان‌ها سفارش می‌کند که به خلقت

حیوانات و آسمانها و زمین و جز اینها بنگرند تا به عظمت و حکمت خداوند پی ببرند. از دیدگاه قرآن، بدترین جانداران نزد خدا کسانی هستند که کر و لال اند و به هیچ وجه تعقل نمی‌کنند. قرآن همچنین دوزخیان را افرادی معرفی می کند که به دستور عقل رفتار نکرده اند. بنابراین از دیدگاه اسلام، عقل و تفکر حجیتی خاص دارد و همسان با سخنان پیامبران الهی است و هیچ گاه این دو سر ناسازگاری با هم ندارند. مطلبی که بیان شد در باب حجیت عقل است یکی از حوزه های فعالیت عقل، علوم تجربی است که با روش مشاهده و آزمایش به کشف اسرار و قوانین طبیعت می‌پردازد . بنابراین اگر عقل و یا علم به نتیجه قطعی و یقینی رسید، از دیدگاه اسلام قابل اعتنا و پیروی است. در روایتی پیامبر اسلام (ص) طلب علم را بر هر مسلمانی واجب می‌شمارد که در این روایت معنای علم اعم از علوم تجربی و غیر تجربی است. ایشان در روایتی دیگر می فرماید: علم را طلب کنید هرچند که در چین باشد. بی شک علمی که در چین آن زمان بوده، علم دینی نبوده است؛ چه آن که مرکز یادگیری علم دینی مکه و مدینه و دیگر نقاطی بوده که پیروان شرایط پیشین در آن می زیستند. از این رو بی گمان منظور ایشان علوم تجربی بوده است. بنابراین اسلام بر خرد و خردورزی و فراگیری علوم تجربی تاکیدی بسزایی دارد. در حالی که اگر علوم‌تجربی متعارض و ناسازگار با دین باشد چنین تاکیدی صحیح نیست. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که یافته های علوم تجربی نمی تواند با آموزه های دینی در تناقض باشد، حتی می‌توان گفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن اعجاز علمی آن است.

بخش سوم: دیدگاه درباره رابطه علم و دین

علم تأیید کننده دین هم می‌گوید بر پایه این دیدگاه نظریات علمی پشتیبان آموزه‌های دینی هستند. و به بیانی دیگر هر چه علم اسرار و قوانین طبیعت را بیشتر کشف کند انسان به ظرافت ها و پیچیدگی‌های نظام هستی بیشتر پی می برد و بهتر می تواند به خداوند حکیم و دانا و توانا آگاه گردد. همچنین برخی از آموزه هایی که در دین وجود دارد با پیشرفت علوم تجربی اسرار آن بیشتر کشف می‌شود. برای نمونه خداوند در قرآن می فرماید: ما از هر چیز جفت آفریدیم. (ذاریات/ ۴۹) و گیاهان را نیز به صورت نر و ماده قرار دادیم. بدین ترتیب قرآن مسئله زوجیت عمومی از جمله زوجیت در گیاهان را چهارده قرن پیش به گونه‌ای لطیف و

زیبا مطرح نموده است. شاید در عصر نزول این آیات، مورد به حقیقت آن آگاه نبودند در قرن هجدهم میلادی گیاه شناسان مسئله زوجیت عمومی را کشف کردند. قرآن کریم در آیه دیگری به گونه‌ای بسیار ظریف به قانون جاذبه عمومی اشاره می‌کند، اما نیوتن (۱۷۲۸ ۱۶۴۲) بود که آن را در قلمرو فیزیک کشف کرد. به همین سان بسیاری از احکام و آموزه های دینی وجود دارند که بر اثر پیشرفت علم اسرار آن کشف می‌شود. بنابراین علم تاکید کننده دین است، می توان از جهاتی این دیدگاه و دیدگاه پیشین را به هم شبیه دانست.

بخش چهارم: بررسی دیدگاه استاد مطهری

استاد مطهری بر این اعتقاد است که علم و ایمان مکمل و متمم یکدیگرند نه متضاد با هم. علمی نیمی از ما را می سازد و ایمان نیمی دیگر را. ایشان همچنین معتقد است که در شناخت کامل جهان هم به شناخت علمی نیازمندیم و هم به شناخت دینی. از نظر علم، جهان کهنه کتابی از که است که اول و آخر آن افتاده است. به عبارت دیگر نه اولش معلوم است و نه آخرش. از این رو شناخت بهتر جهان می باید آغاز و فرجام آن نیز مشخص گردد، البته گاهی دین افزون بر منابع وقایع، به علل وقایع نیز می‌پردازد. بنابراین گاه دین وظیفه علم را نیز انجام می دهد.از زمان بقراط تا به امروز این باور که خداوند هم شفادهنده و هم منشاء علم پزشکان است و اینکه پزشکان وسیله‌ای برای تشخیص درمان و رساندن شفا به بیماران اند (بقراط۱۹۵۲م) کم و بیش وجود داشته است (آموندسن ۱۹۹۶م صص۱۴۷-۱۵۷). اما در دوران محاصره تاریخ علم پزشکی شاهد تغییرات عمده‌ای بوده است به نحوی که به سرعت پارادایم مبتنی بر اخلاط چهارگانه که سابقه ای بیش از ۲۵۰۰ ساله دارد در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است. نظریه میکروبی اگرچه در قرن ۲۰ به یک انقلاب عظیم در عرصه علوم پزشکی منجر شد و هر روز خدمتی جدید را به بشریت عرضه کرد اما در ادامه با مشکلات و بن بست هایی مواجه گردید و این هم زمان بود با سایر بن بست های موجود در دنیای مدرن که منجر به نحله های فلسفی و پسا مدرن گردید که ساختار شکنی های متعهدانه را در عرصه‌های مختلف علمی و نظری باعث می شد. از نشانه های آغازین دوره گذار از پزشکی مدرن به پزشکی پسا مدرن بود که از اواسط قرن بیستم علاوه بر

عوامل جسمی در تعریف سلامتی و بیماری به جنبه‌های روانی و اجتماعی آن توجه بیشتری می شد به نحوی که در دهه هفتم و هشتم قرن بیستم بررسی‌های اپیدمیولوژیک و بوم شناسی که به نوعی مبتنی بر فرضیه تاثیر عوامل اجتماعی بر علوم‌پزشکی بود از ارزش خاصی برخوردار شد و تا دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت در دهه های اخیر، ابعاد دیگری در تعریف سلامت وارد و به تدریج در نوشته های علمی آورده شده است که بر اساس آن سلامت و بیماری انعکاسی از در هم تراوشی عوامل زیستی، روانی اجتماعی (راجرز و دیگران ۲۰۱۰) و معنوی است. شاید امروزه در هیچ عرصه دیگری جز علوم زیست‌پزشکی، رویارویی میان بعد معنوی سلامت و علم تا بدین حد موجب سردرگمی نبوده باشد. گذار از دوران مدرن و تجربه نه چندان موفق بشر در برخی جنبه ها باعث شد که در اواخر قرن بیستم و آغاز هزاره جدید بازگشتی دوباره به ابعاد غیر مادی وجود مشاهده شود و دانشمندان تلاش کنند تا خلأ ها و کاستی ها و سوالات بی پاسخ را به هم پیوند زدن مجدد علوم انسانی و سایر علوم جستجو نمایند. پژوهش های مختلف در طیف وسیعی از ساز و کارها نظیر غربالگری، ایمن‌سازی، مهندسی اجتماعی، گروههای خود یاری و سایر برای پیشگیری از از بیماری ها تاکید کرده اند. در همین راستا اهمیت معنویت در حیات جسمی انسان در چند دهه گذشته به گونه ای روز افزون دریافته‌اند که استفاده از روش‌های مدرن و تکنولوژی هایی که اکنون به عنوان سنت امروز علوم‌پزشکی شناخته می‌شوند به تنهایی پاسخگوی همه جنبه‌های مواجه با بیماری و پیشگیری و درمان بیماری ها نیز به همین دلیل بررسی علمی نقش سلامت معنوی یکی از مباحث مهم در پژوهش های علوم سلامت شده است.(دهشیری و دیگران۱۳۸۷ش،صص۱۲۹-۱۴۵) به رغم این پیشرفت ها، بعد معنوی سلامت در مباحث و برنامه های ارتقای سلامت جسمی در همه جهان منفول مانده است (مرندی،۱۳۸۹ش،ص دیباچه) و پیشرفت ایده سلامت معنوی بسیار کند و تکوین آن در عرصه سلامت و پیشگیری از بیماری ها به تعویق افتاده است. بسیاری از مطالعات درباره معنویت سلامت معنویت را به عنوان «عامل فراموش شده» در ملاحظات مربوط به سلامت جسمی می داند. درباره تاثیر معنویت بر پیشگیری از بیماریها ابهامات زیادی نیز وجود دارد به طوری که نتایج حاصل از مطالعات کاربردی هنوز به طور کامل قابل توجیه نیستند.

هنوز نمی توان به درستی در مورد چگونگی و مکانیسم تاثیر گذاری عامل معنویت بر سلامت و بیماری افراد توضیح مشخصی ارائه داد. بسیاری از عوامل هستند که همزمان و طی عمر در زندگی فرد وارد می‌شوند و نسبت دادن تغییرات و متغیرهای تجربی و عوامل معنوی را تحت تاثیر قرار داده و گاه دشوار و غیر ممکن می کنند. همه اینها مسائلی است که پژوهش هایی تازه برای پاسخ به آنها ضروری است هدف عمده این مطالعه بررسی مقدماتی جایگاه علمی نقش سلامت معنوی در روند پیشگیری از بیماری‌ها است.

بخش پنجم: بنیادهای نظری ایده سلامت معنوی در فلسفه و تاریخ طب

ادموند پلگرینو ، فیلسوف پزشک و استاد علوم انسانی پزشکی در دانشگاه جرج تاون یکی از تاثیرگذارترین فیلسوفان پزشکی برخلاف «شافنر» و «انگلهارت» تعریفی که از فلسفه پزشکی دارد، تعریفی مختص به مفهوم «پزشکی به ما هو پزشکی» است. (بنگرینو ۱۳۸۴ ، صص ۱۵-۴۴) بر پایه آرای او پزشکی در دوران مدرنیسم در برخورد کلی از دو سده قبل با فلسفه مادیگری منطبق با دیدگاههای فلسفی پیشین جهان غرب، به خصوص نظریات کلود برنار،د متولد شد و نگرش آن به سلامت و بیماری دیدگاه بیولوژیک محض (زیست شناختی) بود. با نزدیک شدن به قله های درک زیستی شناختی از انسان و گذر از مدرنیسم به پست مدرنیسم ناکافی بودن دیدگاه های زیست شناختی در حل مشکلات انسان و در نگاه به سلامت و بیماری آشکارتر گردیده است. تحقیقات معتقد دانشمندان از یک سو و بازگشت جامعه به ارزش های انسانی از سوی دیگر، افق های درمانی جدیدی را گشوده است. پزشکی رشد فزاینده ای یافته و فلسفه زیست شناختی در تعریف سلامتی و بیماری و برخورد با انسان جای خود را به فلسفه کل نگری یا دیدگاه جامع نگری داده است. در این فلسفه نگاه به انسان در ابعاد زیست شناختی، روانی، اجتماعی، روحی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است (امامی و پزشکی، ۱۳۸۰ش ، صص ۹-۱۵) در طول تاریخ، معنویت و طبابت به هم آمیخته بوده اند. درمان های معنوی بخش مهمی از درمان های طبی بومی را در بسیاری از سرزمین‌های شرقی غنی از مکاتب طبی سنتی تشکیل می داده و می دهند. حکیمان مشهور ایرانی نیز در کتب پزشکی کهن به معنویت در امر طبابت پرداخته اند. جرجانی طبیب معنوی را عارفی می داند

که از طریق ارشاد و تکمیل قدرت انجام این طب را دارد امیدواری ۱۳۸۷ش صص۱۷۰۰۵ اولین بار یک دانشمند مسلمان ایرانی علی بن ربن طبری، آن هم قریب ۱۲۰۰ سال قبل از ارتقای سلامت جسمی را در معنویت و سلامت معنوی می دید. به گفته این مورخین در کتاب فردوس الحکمه که نخستین بار مفهوم طب تلفیقی را مطرح نموده است از کلیات اطلاعات طبی سریانی، ایرانی هندی و یونانی که در آن زمان در دسترس اطباء بوده، استفاده شده است. به طوری که طب گیاهی را از ایران، طب آیورودا (دانش زندگی) را از هند و طب یونان را از یونان باستان با تمام تجارب موجود، وارد این دایره المعارف بزرگ نموده است. مورخین بیشماری بر تأثیر تفکر مذهبی زرتشتی از طریق سنت سو شروتاسامهیتا وکارگا سامهیتا بر مطالب این کتاب اذعان دارند. فردوس الحکمه نوعی دایره المعارف پزشکی است که در آن علاوه بر طب از طبیعات خصوصاً علم کیمیا، جانورشناسی، جنین شناسی مقایسه ای، گیاه شناسی، روان شناسی و حکمت و فلسفه اسلامی بر زرتشتی بحث شده است و برای تشخیص و درمان بیماریها از طریق طب تلفیقی وارد شده است. در فردوس الحکمه در موارد متعدد اسامی بسیاری از گیاهان و داروها به زبان فارسی آمده است با ترجمه کلمات فارسی ذکر شده است که خود دلیل بر استفاده از منابع اصلی ایرانی است (تاجبخش۱۳۷۳ش). طب ایرانی با سابقه هزاران ساله دارای رویکردی کل نگر بر مبنای پیوستگی جسم و روح و ذهن انسان است که تنها به درمان بیماری ها محدود نبوده بلکه سبکی برای ارتقای سلامت و کیفیت زندگی به شمار می رود فرخ نیا۲۰۱۰ م). با بررسی تاریخی مشخص می‌شود که مدارس طبیعی ایران باستان به ترتیب سه گروه طبیب می‌پرداختند که شامل شفادهندگان با اصول روحانی شفا دهندگان با قانون و شفا دهندگان با چاقو بودند. پزشکان روحانی از نظر تحصیلات در سطح بالاتری از دو دسته دیگر بوده و با به کار بردن کلمات مقدس به بهترین وجه قادر به معالجه و خارج کردن بیماری از بدن بودند بدین طریق بیشتر پزشکان معتبر در دوران خلفای اسلامی نیز از الهیات اطلاع داشتند و روحانیون نیز غالباً از معلومات پزشکی بی‌بهره نبودند(الگرد۱۳۸۶ش ،صص۴۸-۳۹) از نظر دانشمندان مسلمان، طبیب و فیلسوف همچون ابن سینا و رازی طبابت شامل جنبه های جسمانی و روحانی بوده است. رازی در مقدمه کتاب(الطب الروحانی) خود می نویسد که این کتاب مکمل و به موازات کتاب(المنصوری) اش است هدف آن مطالعه(

طب جسمانی) است (محقق و طرفداری ۱۳۸۹ش،صص۱۳۰۰۵) رازی در حدود هزار سال قبل درمانهای روحانی را بدون استعمال دارو به کار می برده و حکایات چندی از این قبیل درمان ها در مثنوی معنوی مولانا ذکر گردیده است. ابن سینا درباره صفات طبیب می گوید: طبیب باید که دائم بشارت دهنده از صحت و سلامت برای بیمار باشد چرا که برای عوارض نفسانی تاثیر فوق العاده دارد» (نجم آبادی ۱۳۹۴ ش،صص۹۱-۹۴) چنانچه از موارد فوق بر می آید درمان و سلامت معنوی از دیرباز در مکاتب طب بشری به خصوص در ایران مورد توجه بوده و ایرانیان اهمیت درمان های روحی درکنار درمان جسمانی را دک نموده اند.

بخش ششم: علم طب از منظر ما یک علم دینی است

جریان تب غیر از جریان بیداری از انسان، انسان است و حیوان، حیوان است. انسان دو حقیقت نیست یک بدن و یک روح، انسان یک حقیقت است که اصلش روح و ابزارش تن است. ممکن نیست با ابزار بیمار بتوان روح سالم داشت، چه اینکه روح سالم ابزار بیمار را تحمل نمی کند. علم طب از منظر ما یک علم دینی است زیرا علم دینی مخصوص فقه و اصول و امثال اینها نیست. تمایز علوم به تمایز موضوعات است. علم یک سلسله مسائلی که این مسائل را وقتی منحل می کنید به «مسئله،مسئله» می‌رسید، پنج عنصر دارد که چهار عنصر آن فرعی اند و یک نثر آن اصلی هر مسئله هدفی دارد که بر خود مسئله مترتب است یک محمول دارد یک نسبت دارد و یک موضوع و دیگری هم آن منشاء اساسی این موضوع است. تمایز علوم و دانش ها به تمایز اهداف و اغراض نیست زیرا هدف و غرض متفرّع بر مسئله است تا مسئله سامان نپذیرد غرض بر او مترتّب نمی شود. در فضای مسئله محمول بار موضوع است وصف موضوع است. گزاره‌ای از گزاره‌های موضوع است، حرف اصلی علم را محمول مسئله نمی زند. نسبت هم تابع طرفین است فرض بر موضوع و محمول است هرگز زمان علم و به دست نسبت به این موضوع و محمول نیست. عوارض دیگری هم که مسئله را همراهی کند آنها هم نظیر امور گذشته، تابع موضوع هستند. اولین و اساسی ترین حرف مسئله را موضوع مسئله می زند قهراً حرف اساسی را موضوع علم می زند زیرا موضوع علم در مسائل به صورت موضوعات گوناگون ظهوری و بروزی دارد. پس از تمایز علوم به تمایز موضوعات است.در علم طب موضوع، بدن انسان است نه بدن حیوان، آن بدن حیوان موضوع علم بیطاری است اما

موضوع طب بدن انسان است این بدن فرع است و حقیقت انسان اصلی دارد به نام روح و بدنی دارد به نام فرع و این انسان که موضوع علم طب است فعل خداست. بس در فعل خدا و سوتینی از بحث غیردینی نخواهد بود همانطوری که بحث در قرآن بحث دینی است چون قرآن قول خداست بحث درباره جهان‌شناسی جهان فعل خداست، آسمان فعل خداست ،زمین فعل خداست، انسان فعل خداست. ما علم غیر دینی در فضای دانشگاه‌ها نداریم.

بخش هفتم: مذهب و سلامتی

مدتهاست که مذهب و پزشکی، در پاسخ به بیماری و مرگ با یکدیگر آمیخته شده اند. در اغلب جوامع شفا دهندگان پیش مدرن، شخصیت‌های مذهبی بودند. قربانی، زیارت، دعا و تسکین معنوی، به صورت متداول برای بسیاری از بیماری‌های جسمی توصیه می‌شوند. یک عقیده مشترک در همه فرهنگ های قدیمی این بود که بیماری نتیجه زیر پا گذاشتن معیارهای اخلاقی یا مذهبی است. خلاصه اینکه، بیماری نتیجه گناه شمرده می شد. (کینسلی ۱۹۶۶ ، Kinsley,D). امروزه علی‌رغم کاهش احتمالی ارتباطات بین مذهب و سلامت بدنی، ما شاهد تداوم این ارتباطات می باشیم. غالباً تمایل داریم برای سلامتی مان از خدا تشکر کنیم یا برای بیماری یا مرگ خود دعا نماییم. در واقع بسیاری از معتبرترین دانشکده‌های پزشکی و بیمارستان‌های ما توسط مذاهب رسمی بزرگ به وجود آمده اند و حمایت می‌شوند. اخیراً سوال از رابطه مذهب – سلامتی از بررسی‌های علمی دقیق بهره مند گشته است. علی رغم مشکلات روش شناختی، کیفیت تحقیق در این موضوع، در حال افزایش بوده، از تالیفات بی پایه و اساسی به سوی گزارش های همبستگی و مطالعات کنترل شده می رود.

بخش هشتم: مذهب و بهزیستی روانی

مطالعات آزمایشی انجام شده به منظور تعیین نوع بهزیستی روانی در طول حیات هر فرد پیوسته از مذهب به عنوان یکی یک ویژگی ضروری برای سلامت مطلوب نام برده اند. فرانکل و هویت ۱۹۹۴؛ ویلکوک و همکاران، ۱۹۹۹ ویتر و سویین، ۱۹۹۲؛ آیل (Ayele , H)، مولیگان (Mulligan , T)، جورجیو (Gherorghiu , s) و ریس _ اورتیز (reyes-ortiz,s) گزارش کردند که در بررسی شان درباره ۱۵۵ مرد فعالیت مذهبی درونی مثل (دعا، خواندن کتاب مقدس) به طور معناداری با رضایت از زندگی، رابطه مثبت دارد. رابطه مثبت

بین مذهب و بهزیستی روانی عمومی در طول پیوستار پیر انسان آشکار است. هولت(holt,M) و جنکینز(jenkins,m 1992) بر اهمیت مذهب برای افراد مسن تاکید کردند و بر این امور اصرار ورزیدند که لازم از پیری شناسان نشان دهند که آگاهی بیشتر از مذهب عامل مهم در بهبود سلامتی است. مطالعات دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقادات و رفتارهای سنتی یهودی - مسیحی احتمالاً با بهزیستی در آینده رابطه دارند (بوربانک۱۹۹۲ کونیگ۱۹۹۱ ،۱۹۹۳ لوین و کارترز۱۹۹۸)- پژوهشی (جانسون ۱۹۹۵) اهمیت خوب پا به سن گذاشتن را از طریق مطالعه اهمیت مذهب در زندگی افراد مسن مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه قطعی رسید که مذهب در زمانی که امید انسان از همه جا قطع شده است به افراد مسن امید می دهد.

بخش نهم: مذهب و بهداشت روانی

رابطه بین مذهبی بودن افراد و بهداشت روانی در جمعیت های گوناگون گزارش شده است. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که میزان شرکت در کلیسا با افسردگی رابطه منفی (معکوس) دارد، به گونه‌ای که میزان افسردگی در بین کسانی که به کلیسا می روند تقریبا نصف میزان آن در افرادی است که به کلیسا نمی روند. (کونیک، هایز، جرج و بلازر، ۱۹۹۷) وودز(Woods،T)، آنتونی (Antoni , M) ایرونسون (Ironson , G) و کلینگ (۱۹۹۱ Kiling , D أ ، ۱۹۹ب) گزارش می کنند که استفاده زیاد از مذهب به عنوان یک ساز و کار برای کنار آمدن، در دو نمونه مجزا از افراد مبتلا به بیماری HIV منجر به بروز نشانگان ۴۴ کمتری از افسردگی و اضطراب گردید. مطالعه دیگری (میکلی، کارسون و سوکن، ۱۹۹۵) این نظریه را مطرح می‌کند که مذهب می‌تواند تاثیری مثبت (مثل ترغیب افراد به همبستگی اجتماعی کمک به ایجاد معنا در زندگی) یا منفی (پروراندن احساس گناه و شرمساری بیش از حد در ذهن به کار بردن مذهب به عنوان یک راه فرار از مواجه شدن با مشکلات زندگی) بر سلامت روانی داشته باشد. این پژوهش همچنین گزارش داد که افراد برخوردار از دین داری درونی سطح بالا افسردگی و اضطراب کمتری دارند و کمتر در جستجوی توجه نارسای کنشورانه هستند. این افراد همچنین سطوح بالایی از قوی بودن من، همدلی و رفتار اجتماعی انسجام یافته را به نمایش می‌گذارند. پین (Payne، I)، برگین(Bergin,A)،

بیلما(Bielma,R) و جنکینز(Jenkins,p 1991) در بررسی خود درباره مذهب و بهداشت روانی، تاثیرات مثبت دیندار بودن بر بهداشت روان را از لحاظ ارتباط آن با متغیرهای خانواده حرمت خود، سازگاری شخصی و رفتار اجتماعی گزارش کردند به علاوه گارتنر (gartner,l) لارسون (Larson,D) و آلن (Allen, G 1991) مشخص کردند که سطوح پایین دیندار بودن اغلب با اختلاف مربوط به کنترل نکردن تکانه رابطه دارند.

بخش دهم: مذهب و سلامت جسمی

مذهب می تواند از طریق افزایش توانایی افراد در حفظ بهزیستی کلی به ویژه در بین افراد مسن در محافظت از سلامت جسمی افراد سهیم باشد. (کونیگ ۱۹۹۹ ویتمر و سوئینی ۱۹۹۲) مطالعه ای نشان می دهد خطر ابتلا به «آنفاکتوس میوکاردیال» (Ml52) آزمودنی هایی که خود را «غیر مذهبی» توصیف می‌کنند به طور معناداری بیش از احتمال آن در آزمودنی هایی است که خود را مذهبی توصیف می نمایند. و این عامل از عوامل دیگری که احتمال ایجاد این بیماری را باعث می شوند مستقل می باشد. (فریدلندر کارک و استین ۱۹۸۶) بررسی دیگری نشان می‌دهد که فقدان توانایی و آرامش منبعث از مذهب در افرادی که تحت عمل جراحی باز و اختیاری قلب قرار گرفته‌اند مرگ و میر را بیشتر می‌کند.

بخش یازدهم: ساز و کارها

۱- دستگاه ایمنی بدن

دستگاه ایمنی بدن احتمالاً سازوکاری است که مذهب از طریق آن، در حفظ سلامت جسمانی مشارکت می‌کند. علی رغم پژوهش ها درباره تاثیر مذهب بر دستگاه ایمنی بدن، این پژوهش ها از لحاظ روش شناختی صحیح می باشند و نتایج جالب توجهی ارائه می دهند. یکی از این پژوهش ها رابطه ای معکوس بین میزان حضور در مراسم مذهبی و اینترلوکین- (interleukin) رو که یک سیتوکین التهابی و تنظیم گر دستگاه ایمنی شناخته شده است نشان می دهد. (کرنیک و همکاران، ۱۹۹۷) مطالعه دیگری (وودز و همکاران ۱۹۹۹) گزارش می‌کند که آزمودنی هایی که دارای رفتار مذهبی (مانند شرکت در مراسم مذهبی ، دعا

خواندن) سطح بالایی هستند، به طور معناداری سطوح بالاتری از تعداد سلول‌های تولیدکننده کمک کار و نیز درصد های بالاتر از آن را دارا می باشند.

۲- حمایت اجتماعی بیشتر

توجه بیشتر به شعائر مذهبی چون باعث افزایش (احتمالی) شبکه حمایت اجتماعی می شود، سطح بالاتری از سلامت رابطه دارد شعائر مذهبی غالباً به صورت جمعی و همراه دیگران انجام می شود یک سنت قدیمی تحقیق در زمینه اپیدمیولوژی اجتماعی سودمند بودن حمایت اجتماعی را نشان داده است. (هاوس لندیس و آمبرسون ۱۹۸۸). همچنین نشان داده شده تحت حمایت اجتماعی قادر است بر توانایی افراد در مقابله با بیماری های وخیم و بهبود یافتن از آنها تاثیر قوی و مثبت بگذار.د (کوهن و ویلیس ۱۹۸۵ تایلور ، فالک، شاپتا و لیچمن ۱۹۸۶).

بخش دوازدهم: ترس کمتر از مرگ

غالب مذاهب بزرگ درباره یک وجود دائمی و خشنود از حیات بر روی زمین صحبت می‌کنند به معنای دقیق کلمه ساز و کار دیگر در حلقه به سلامتی ترس کاهش یافته ای از مرگ است که افراد مذهبی از خود نشان می دهند مدل (Modell,j) و گورا (Guerra,F) گزارش کردند که در ۷۵ درصد از بیماران مورد مطالعه آنان، ترس از مرگ، منجر به عوارض شدید مربوط به پس از عمل جرّاحی گردید). نیز چهار مطالعه، طول عمر روحانیون را بررسی نموده که در همگی مشخص شد این صنف طول عمر بیشتری از عموم افراد جامعه دارند. در بعضی از پژوهش ها نیز نکته جالبی به دست آمد و آن اینکه این سری از اینکه بزرگترین اثر را بر مرگ و میر دارد حضور در کلیسا نبوده بلکه دریافت آرامش از دین می باشد. در یک پژوهش طولانی ۲۸ ساله و ۵۲۸۶ نفر در ایالات متحده محققان دریافتند که در میان زنانی که هر هفته به کلیسا می روند ۳۴ درصد با کاهش مرگ و میر مواجه بودند. گسترده ترین تحقیق موجود تحقیق هامر و دیگران (سال ۱۹۹۹م) است که از نمونه گیری تصادفی ۲۱۲۰۴ نفر بزرگسال دومی در ایالات متحده در فاصله سال های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ به عمل آمد. در این تحقیق مشخص شد که میانگین سنی افراد حضور نیافته در کلیسا ۷۵ سال بود در حالی که این

میانگین در افرادی که هر هفته در کلیسا حاضر می‌شدند ۸۱ سال بود. در کل، تدین به گونه ای مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت جسمانی تأثیر گذارده و اکثر تحقیقات دانشمندان علوم تجربی نیز این را نشان می دهد. در تحقیق دیگر در سال ۱۹۹۸ معلوم شد تدین و کثرت حضور در مراسم دینی در کاهش بیماری شریان کرونری آمفیزم (اتساع مجاری و حباب های ریه)، سیروز، خودکشی، فشارخون موثر بوده و بهداشت بهتر و پذیرش رژیم دارویی را به دنبال داشته است. نیز تحقیقات زیادی در باره ارتباط تدین و میزان فشار خون، سکته مغزی و بیماری های قلبی عروقی انجام شده که نتیجه اکثر آنها این مطلب را تصدیق می‌کند که التزام دینی داشتن در پیشگیری و درمان این بیماری ها نقش موثری دارد. برای مثال با بررسی آثار حضور در مراسم مذهبی ۴۰۷ مرد در ایالت جورجیای آمریکا این نتیجه به دست آمد، مردانی که غالباً در مراسم کلیسا شرکت کردند (یک بار در هفته یا بیشتر) یا گزارش دادند این برای آنها بسیار مهم است فشار خون پایین تری داشتند تا آنهایی که پیوندهای دینی نداشتند.

کومستاک و همکارانش پس از ۸ سال تحقیق روی ۵۰ هزار نفر دریافتند که زنانی که به طور منظم هفته‌ای یک بار یا بیشتر در مراسم مذهبی شرکت می کردند که در مقایسه با زنانی که در این مراسم شرکت نمی کردند کمتر در معرض بیماری‌های متعدد از جمله ۵۲ درصد کمتر در معرض بیماری‌های قلبی عروقی قرار داشتند. همچنین اضطراب و ترس از مرگ یا احتضار در این گروه کمتر بود. در تحقیق دیگر در سال ۱۹۹۸ معلوم شد تدین و کثرت حضور در مراسم دینی در کاهش بیماری شریان کرونری، آمفیزم (اتساع مجاری و حباب ههای ریه) سیروز خون موثر بوده است.

با این حال ل دیگر در ساز و کار پیوند دهنده مذهب و سلامتی احتمالاً این امر است که رفتار مذهبی، کمتر به رفتارهایی منجر می‌شود که در تقابل مستقیم با سلامتی می‌باشند. جارویس(Jarvis,G) و نورث کات(northcott,H ۱۹۸۷) رفتار پیروان نُه مذهب بزرگ را مورد بازبینی قرار داده و تفاوت های چشمگیری در زمینه کنترل های غیر رفتاری در دو حوزه

عمده دست یافتند. آنان دریافتند که مذهب خطر بیماری و مرگ را به دو طریق کاهش می دهد:

۱- تجویز رفتاری که مانع از بیماری و مرگ می شود یا به درمان بیماری کمک می کند.

۲- ممنوع کردن رفتاری که برای زندگی مضر است یا مانع درمان می شود..

بخش سیزدهم: کرونا در مناقشات علم و دین

در واقع شرور در کنار شدائد و سختی هایی که در درون خود دارند دارای فوایدی هم هستند. که کمتر به آنها پرداخته می‌شود اینکه وجود زشتی‌ها و بدی‌ها هرچه بیشتر انسانها را به سوی میل به خوبی و فضایل اخلاقی سوق می دهد می تواند از فواید شرور باشد. بر کسی پوشیده نیست که شدائد و سختی ها موجب قلیان نیروهای نهفته درونی انسان گشته و تهذیب نفس و تهیج تقوا را به دنبال دارد. در خصوص قضیه کرونا که از منظر معرفتی به عنوان پدیده شرق بدان می‌نگریم، می‌بینم چه تحولاتی در عالم وجود آمده است. اساسی ترین نقطه که در پدیده کرونا غیرقابل انکار است این است که جهان بعد از کرونا با جهان قبل از آن تفاوت خواهد داشت. و شاهد تحولی بنیادین در حوزه‌های مختلف علوم خواهیم بود؛ چون آن چنان شوکی به جهان علم وارد کرد که نیازمند بازبینی جدی در همه دستاوردهای بشری در طول کلیه تاریخ علم است. کمترین اثر مثبت کرونا که غیر قابل انکار است شکست غرور کاذب علم و فناوری است. که در برابر کرونا به زانو درآمده است. چون در حضور چشم بینای علم ضروری‌ترین نیاز انسان که هوای دم و بازدم است به تهدیدی جدی مبدل شده و علم فعلا از علاج آن عاجز است. این موجودات ذره بینی فقر و غنا و قدرت و شوکت نمی شناسند. ثروتمندان پر جنب و جوش بیشتر از فقرا و زاغه نشینان در معرض آسیب‌های کرونا قرار گرفتند. بزرگترین قدرت مالی جهان، آمریکا را با چالش جدی مواجه کرده است، اگر دستگاه دین سنج وجود داشت شیوه جهش گرایش های معنوی را در جهان نشان می داد. پاپ اعظم واتیکان سخنان تازه ای در خصوص ایمان داری کلیسا ابراز داشت آمار جرم و جنایت و قتل و غارت در جوامع به شدت کاهش یافته است و مردم آن به شدت نسبت به هم مهربان تر شده

اند و روح معنویت و ایثار و گذشت و فداکاری در بین آحاد جامعه رو به فزونی است . کلیسا و مسجد و کنیسه و معابد هم صدا خالق یکتا را صدا می‌زنند. به تحقیق هیچ وقت جهان آنقدر وحشت زده نبوده و هیچ گاه این قدر بازگشت به معنویت دینی را تجربه نکرده است. اگرچه کرونا دشمن تجمعات بشری شده اما جهانیان کرور کرور حتی در خیابان‌ها در تضرع و ناله به سوی خالق یکتا پناه می آورند. رئیس جمهور روسیه به عنوان یکی از قدرت های تاثیر گذار جهانی به ناتوانی مراکز علمی خود در مقابل این موجود نامرئی اذعان جدی مواجه نموده است. ولی دین به این سرگیجه علمی خورده نمی‌گیرد و از روی رویکرد عمومی جهان به معنویت، برخود غرّه نمی شود؛ چون ماهیت دین بینش بخشی و ماهیت علم، دانش بخشی است. در این شرایط دانش و بینش مکمل هم هستند، «اذا افترقا احترقا» اگر از هم جدا شوند، خواهند سوخت. عقلانیت دینی برای عبور از این بحران بی‌سابقه بشری با معنویت بخشی به محققان علمی وظیفه ذاتی خود را انجام می‌دهد. نقش سازنده دین در چنین مواقعی برای موفقیت علم بسیار سرنوشت‌ساز است. عمده دانشمندان بزرگ نقش ایمان در پیشبرد اهداف علمی را غیرقابل انکار دانسته‌اند. ماکس پلانک مهمترین دانشمند فیزیک و پدر نظریه کوانتوم می گوید: بر سر در معبد علم نوشته اند هرکس ایمان ندارد وارد نشود. وی همچنین می‌گوید دین و علم مشترکا بر ضد شرک و الحاد می جنگد. و برانگیزنده آنها همواره خداوند بوده و خواهد بود. اینشتین که به خدا ناباوری معروف است، می‌گوید احساس مذهبی بزرگترین شاه فنر تحقیقات علمی است. و یا وقتی که از او می‌خواهند مقدمه ای بر کتاب «علم به کجا می رود»؛ تألیف ماکس پلانگ بنویسد، می نویسد: از من خواسته اند با شمعی خورشیدی را روشن کنم! پروفسور الویر وندل پزشک مشهور آمریکایی در قرن ۱۹ می نویسد؛ هر قدر معلومات بشر زیادتر می شود، شکاف میان علم و دین تنگ‌تر می‌شود و فهم دروس علوم امکان ایمان به خدا را بیشتر می‌کند. در همین رویداد اخیر مواجهه با پدیده کرونا پزشکان و متخصصان بزرگ علمی را در ایران و برخی دیگر کشورها می بینید که با وضو که نشانه اوج وابستگی دینی است به مراکز آزمایشگاهی خود وارد می‌شوند و جلوه های زیبایی از ممزوج علم و دین را در این برهه حساس به جهان بشریت عرضه می دارند. به راستی که می‌توان از

اینان به؛ «لکنِ الرّاسخونَ فِی العلمِ مِنهُم و المومنونَ یُومنونَ» نام برد که ثابت قدمان در علم جز مومنین به حساب می‌آیند.

قطعاً این بحران به سر خواهد آمد در آن صورت فصلی جدید از همراهی علم و دین رقم خواهد خورد که موجب پویایی و نشاط فهم بشری از پدیده‌های شرور خواهد شد. از این ره آورد نه سکولاریزم فربه تر خواهد شد و نه پوزیتیویزم غلبه خواهد یافت، بلکه فرضیه نموداری عمودی دین و افقی علم گسترده تر خواهد شد. در تعالیم اسلامی از عقل همواره حجیت داشته است. حجت الهی در شناخت دین محسوب می‌شود و از منظر دینی خلق برای اطاعت خداوند که همانا راه نجات است آفریده شده است و طاعت به علم و آموزش میسر می گردد و آموختن بدون عقل میسر نخواهد شد و علم خود از عالم ربانی صادر می گردد و عالم را با عقل می توان شناخت.

عقل در مقابل فهم گزاره های دینی و استنباط آنان و انسجام بخشیدن به آن ها در مقام تعلیم و اثبات و دفاع از آنها نقش برجسته ای دارد. دین در زمانی می تواند با علم در تضاد باشد که یافته‌های علمی مفاهیم دینی را به چالش بکشانند درحالی که یافته های علمی موجب استحکام پایه های اعتقادات دینی می شود. عقلاً جایز نیست که دین با علم تعارض و تعاند داشته باشد. پس در مواجهه با پدیده کرونا به عنوان یک پدیده شرّ ضمن تفسیر پدیدارشناسانه و معرفتی از آن به حکم عقل که نشأت گرفته از عقلانیت دینی است، کاملاً با مکانیزم های علمی همراهی کرده و در این بحران علمی شاهد رویشی دیگر از تضایف بین علم و دین خواهیم بود.

بخش چهاردهم: بازگشت دین به عرصه اجتماع

در این تحلیل با ارائه شواهد بسیاری از جوامع مختلف چنین ادعا شده است کرونا، دست زمینی ترین آدمها را نیز رو به آسمان کرد و نیایش را روی میز درمان گذاشت و نشان داد که دین هنوز هم آخرین پناه انسان ها حتی در روزگار مدرن است. کرونا ویروس دینداری را از تجربه‌های حاشیه به تجربه های معمول روزانه تبدیل کرد. این بیماری به جامعه مدرن نشان داد که بسیاری از دین پژوهان درباره میزان سکولاراسیون و نیز برگشت ناپذیری دین به جهان

انسان ها، دچار زیاده‌روی شده‌اند و دنیای جدید به اندازه جهان نسبت ، به تجربه های دینی را نیاز دارد. هرچند این دنیا ممکن است به معنای پیروزی از نهاد دین و پذیرش وجه تاریخی دین نباشد. (صادق نیا ۱۳۹۹) نتایج جدیدترین نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که درباره شیوع ویروس کرونا در سطح ملی و در تاریخ ۲۴ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۹ انجام شده استف نشان می دهد که در پاسخ به این پرسش که، اهمیت دین و خداوند در این مدت شیوع کرونا برای شما، نسبت به قبل چه تغییری کرده است؟ ۴۷ درصد مردم ایران گفته اند که اهمیت دین و خدا در این مدت برای ایشان بیشتر از قبل شده و ۴۸/۴ درصد نیز گفته اند که از این نظر تغییری ایجاد نشده است. فقط ۳/۵ درصد مردم گفته اند که اهمیت دین و خداوند برایشان کمتر از قبل شده است . (دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران)

بخش پانزدهم: کرونا اعتقاد به خداوند را در میان مردم بیشتر کرده است

حجت الاسلام و المسلمین جبرئیلی دانشیار گروه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شده در ابتدای این نشست گفته: کرونا نه اولین و نه آخرین و بدترین و نه سخت ترین بلایی است که بر بشر وارد شده است، البته در دوران فعلی چنین حادثه با این گستردگی دیده نشده بود. و در ادامه می گوید: کرونا اعتقاد به دین و خداوند را بیشتر کرده است. در این عرصه دو آمار ایران و آمریکا این حقیقت را ثابت کرد ۴۸ درصد مردم ایران در ایران بیان کردند که کرونا هیچ تغییری در باور ما نداشته و ۴۷٪ بیان کردند ایمان و اعتقاد به خدا بیشتر شده است. در آمریکا آماری ارائه شد که از ۸۰ درصد مردم دین دار آمریکا، ۳۳ درصد کرونا را پیامی از طرف خداوند معرفی کردند. ۲۶ درصد اعتقاد بیشتری به خدا پیدا کردند و یک درصد از اعتقادشان کمتر شده است. در زمینه تاثیر مثبت روانی ارتباط با پروردگار چه به صورت فردی و چه مراسم جمعی به هنگام روبرو شدن با سختی ها در گنجینه ذخایر اسلامی شواهد بسیاری موجود است. مروری بر پاره‌ای پژوهش‌های انجام شده نشان در نمونه هایی از تاثیر ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماری هاست. ارتباط مستقیم با بهداشت روانی قرار داشته مکانیسم های سازگاری را افزایش داده بهبودی ناراحتی‌های ناشی از رویدادهای

ضربه‌ای را تسریع می نماید. روبرتز پژوهشگران درمان‌های مذهبی بر این باور است که باید در کنار هر دانشکده مدرن پزشکی نمازخانه ای به برپا کرد.(۸) دو سه قرن گذشته را می توان دوره پرستش علم و گریز از ایمان دانست. دانشمندان بسیاری معتقدند که همه مشکلات بشر با سر انگشت علم گشوده خواهد شد ولی تجربه خلاف آن را ثابت کرد. امروز دیگر اندیشمندی یافت نمی‌شود که نیاز انسان را به نوعی ایمان ولو ایمان غیر مذهبی که به هر حال امری ماورای علم است انکار کند. «برتراندراسل» با آن که گرایش‌های مادی دارد اعتراف می کند که کاری که منظور آنها فقط درآمد باشد نتیجه مفید به بار نخواهد آورد برای چه نتیجه باید کاری پیشه کرد که در آن ایمان به یک فرد به به یک غایت به مرام نهفته باشد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

در این مقاله سعی بر آن شد که نقش علم و دین هر چند به طور مختصر بیان شود. با توجه به دنیای مدرن امروز و پیشرفت‌های زیادی که در زمینه علمی صورت گرفته اما در بسیاری از موارد هنوز علم ناتوان در مقابل خیلی از مسائل پزشکی زیستی است. همچنان که امروز شاهد و ناظر بر این قضیه هستیم ویروسی بسیار ناچیز زبان علم را لنگ نمود و تا ماه ها همچنان از تشخیص و شناسایی آن عاجز بودند و هم اکنون نیز که یک سال و اندی از شیوع این ویروس می گذرد، علم که خیلی ادعا داشت از شناسایی آن ناتوان است و هنوز ابهامات و سوالات زیادی در این مورد وجود دارد که علم از پاسخ گویی به آن عاجز مانده و مجهزترین آزمایشگاه های دنیا از شناسایی دقیق آن اظهار عجز و ناتوانی می کنند. همانگونه که بیان کردیم خداوند هم شفادهنده و هم منشاء علم و پزشکی است. باور داشتن به قدرت خداوند و اراده او به انسان تاب و توان تحمل بسیاری از مصائب را عطا می‌کند. همانطور که بیان کردیم نه تنها معارضه ای بین دین و آموزه های اسلامی با دستاوردهای دانش مدرن وجود ندارد بلکه بسیاری از کشفیات علم را می توان با تفسیر آیات قرآن دریافت و مکمل بودن دین و علم را به خوبی درک کرد. قرار نیست هیچ کدام جای دیگری را بگیرند بلکه اگر مشیت الهی به اجابت تعلق بگیرد دعا نقش مهمی در رفع بیماری دارد ولی قرار نیست که دعا کردن و دینداری جای

کاوش های علمی انسان را برای مقابله با بیماری‌ها بگیرد. این دو در کنار هم موفق و درمانگر خواهند بود، نه در مقابل و تضاد با هم. بنابراین لازم است است که در کنار دین به موازات آن با آموزش بهداشت و رعایت موازین بهداشتی به مقابله با بیماری ها پرداخت. همچنان که می دانیم ائمه اطهار علیهم السلام در درمان بیماریها از دارو استفاده می کردند و فقط تنها با دعا و نیایش به درمان بیماری ها نمی پرداختند با سعی و تلاش در علم و اینکه عالم تماماً تحت مدیریت خداوند متعال است و با توکل این بحران نیز تمام خواهد شد و انسان‌ها دستاوردهای جدیدی به دست خواهند آورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی محمد محمد رضایی، خبرگزاری مهر ۱۳۹۸/۷/۱

۳- مقاله بررسی جایگاه علمی سلامت معنوی و نقش آن در پیشگیری از بیماری ها: یک مقاله مطالعه مقدماتی لادن عبلیان محمود، عباسی، احسان شمسی کوشکی، زهرا معماریانی. فصلنامه اخلاق پزشکی سال چهارم، شماره چهاردهم، زمستان ۱۳۸۹

۴- آیت الله جوادی آملی در پیامی به کنگره اخلاق پزشکی ایران، خبرگزاری مهر،۱۳۹۸/۱۱/۱۶

۵- مقاله روانشناسی دین و نقش دین در سلامت جسم و روان، نویسندگان کولینز، مجتبی حیدری. منبع: معرفت ۱۳۸۲ شماره ۷۲. حوزه های تخصصی، علوم اسلامی، اخلاق و تربیت اسلامی، تربیت دینی.

۶- کرونا در مناقشات علم و دین. خبرگزاری حوزه، محمد هادی فر، کد خبر:۸۹۴۳۴۴ ۱۷فروردین۱۳۹۹ – ۱۹:۵۹ .

۷- مقاله کرونا و دینداری: چالش ها و تحلیل ها محمد جواد چیت ساز.

۸- مقاله نقش ایمان و اعتقاد مذهبی در درمان بیماریها و معرفی سه مورد درمان با روان درمانی مذهبی. دکتر سیدعلی احمدی ابهری روانپزشک عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،

۹- سلسله نشست های کرونا و زندگی مومنانه کدخبر: ۹۹۰۳۰۳۰۱۰۹۵ ۱۳۹۹/۳/۳ خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).

۱۰- پایگاه اطلاع رسانی حوزه گنجینه معارف، علم و ایمان. تاریخ انتشار ۱۳۸۵/۵/۱ منبع مجموعه آثار جلد۲ مطهری، مرتضی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی